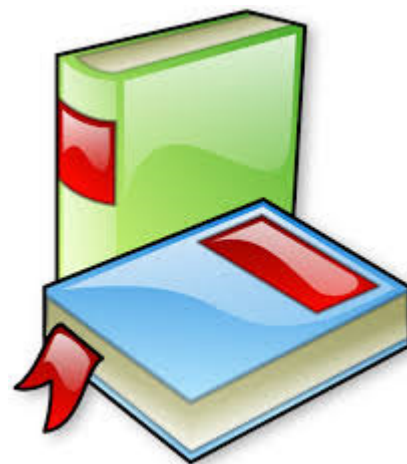


بسم الله الرحمن الرحيم

نشریه فرهیخته

در فرهیخته شماره ۱ با شما عزیزان همراه هستیم در....



پاییز ۹۲ / شماره اول

صاحب امتیاز : پردیس شهید باهنر
همدان

مدیر مسئول : معصومه افشار

سر دبیران : زهرا عربی-رضوان گنجی

ویراستار : رضوان گنجی

حروف نگاری : زهرا عربی

پست الکترونیکی :

farhikhteh.shbh@gmail.com

از مسئولین محترم پردیس خانم هاافشار ،
خاوری ، منوچهری ، شامخی ، سکوت و جناب
آقای دکتر روحی که کمال همکاری را برای
ارائه این اثر با ما داشتند صمیمانه تشکر
می کنیم.

۲.....	سخن سردبیر
۳.....	جلوه ایثار و عشق.....
۵.....	دانشگاه تربیت معلم.....
۶.....	مهمان این ماه
۷.....	با کلمات مثبت بازی کن
۷.....	معرفی نرم افزار های مفید و کاربردی.....
۸.....	حکایت
۹.....	گریزی به مقاله و مقاله نویسی
۱۰.....	در انتظار ظهور منجی.....
۱۰.....	دارم میمیرم یکی کمکم کنه.....
۱۱.....	دست
۱۱.....	پروانه های فانتزی
۱۳.....	آیا شما شخص با اراده ای هستید.....
۱۴.....	واقعیت هایی شگفت انگیز در رابطه با مغز شما.....
۱۵.....	زندگینامه معلم شهید نسرین افضل.....
۱۶.....	با خشونت هرگز
۱۷.....	روش های یادگیری زبان انگلیسی
۱۸.....	اگر.....
۱۹.....	زیاد جدی نگیر.....
۲۰.....	معرفی سایت های مفید جالب.....
۲۱.....	توی خوابگاه چی می گذره.....
۲۲.....	معرفی یک دانشمند.....
۲۳.....	حق این دانش آموز صفر است یا بیست؟.....
۲۴.....	عکس هایی که حالتان را عوض می کند !.....
۲۵.....	آشپز باشی.....
۲۶.....	حجاب
۲۸.....	در پردیس با هنر چه میگذرد.....
۳۰.....	فراخوان.....

نشانی دفتر نشریه : همدان - چهارراه پاستور - دانشگاه فرهنگیان - پردیس شهید باهنر همدان

سخن سردبیر

سلام بر محرم الحرام، ماه آغازین سال هجری قمری!

محرم راز دل بلاجویان و حرم مصفای اهل دل است، محرم نقطه پرگار اهل ولایت، محرم کتاب خون و شهادت، شور و شعور و کتاب عشق و شکوه شقایق شیدایی و کتاب غلبه نور بر ظلمت و جهل و نادانی است.

سلام بر محرم و سلام بر عاشورا که تجلی عظمت انسان شد و نشان داد که چرا ملائک باید بر انسان سجده کنند.

و سلام بر کربلا و بر پاکترین خونهایی که مظلومانه بر زمینش ریخته شد. سلام بر کربلا که مدفن ارزشمندترین انسانهای عاشق گشت و میعادگاه عاشقان طریق رستگاری شد.

سلام بر او که زیارت کعبه و حج خانه خدایش را ناقم رها ساخت و در عرفات به نجوای بلند با معبود نشست و با عزت و عظمت به قربانگاه آمد و قربانیان فراوان یکی پس از دیگری تقدیم نمود. آنگاه شاداب و سرافراز در اوج عشق و عظمت با نشاط جانفشانی و در زیباترین حالت به دیدار معبودش و جدش پیامبر خدا و پدر و مادرش علی و زهرا (س) شتافت و نقطه عطفی شد در رویارویی حق و باطل، ایمان و کفر و رسواگر «پلیدی، ظلم، نفاق و ریا، فریب و دنیاطلبی» گشت و آموزگاری شد بزرگ، برای همه انسانها در همه عصرها و نسل ها تا در مکتبش درس اخلاص، بزرگی، عرفان، عدالت و پایداری در راه عقیده بیاموزند.

به یاد او و در ایام بزرگداشتش که بیش از آنکه به اندیشه و آرمانش بیاندیشند و بیاندیشیم در فراق او و بر جسم به خون غلطیده و بی جان او به فغان و گریه پرداختیم و او را آنگونه که در شان اوست نشناختیم. و اینک ای حسین عزیز، ای شهید و شاهد همیشه تاریخ، بانگ و غریو آتشین و احیاگر خواهرت زینب را بر ما فرو فرست تا بیدارمان سازد تا همچنان در غفلت و جهل و خرافه، نفاق و تظاهر، شکل پرستی و ظاهر گرایی نمائیم و بدور از هرگونه خدعه و فریب و نفع طلبی و دنیاگرایی به اصل راه تو که راه عزت، شرف، آزادی، کمال طلبی و عدالت و معنویت است بپیوندیم و مجالس و مراسم عزای تو و اصحاب با وفایت را به محافل شور و شوق شناخت دین و مسئولیت انسانی و ایمانی خویش بدل سازیم. انشاءا...

ارادت خود را خدمت شما خوانندگان گرامی و منتظران ظهور حضرت حجت (عج) و زائران حضرتش عرض می نماییم، خدا را شاکرم که به ما توفیق نگارش داد. امیدواریم خداوند منان این کمترین ارادت ما را مورد قبول قرار دهد.

و در آخر از همه عزیزانی که ما را در ارائه این اثر یاری دادند ممنون و سپاس گزاریم.

زهرا عربی - رضوان گنجی

کارشناسی شیمی

مُجَالَسَةِ أَهْلِ الدِّنَاءَةِ شَرٌّ، وَ مُجَالَسَةِ أَهْلِ الْفُسُوقِ رِيَّةٌ

همنشینی با سفلگان و افراد پست ناپسند است و همدمی گناهکاران موجب بدبینی مردم و از دست دادن اعتماد و اعتبار است

(بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۲)

جلوه ایثار و عشق



باز صدای نوحه جانان از این وادی به گوش می رسد و ناقوس جانها به لرزه می افتد آنگاه که با بالا رفتن دستهای حسینیان، اشکهای زینب فرو می ریزد .

این چه سربست در کالبد هستی که با نام حسین و ناله بر مظلومیتش، تمام گناهان بخشوده می شود ؟

ساکنان دیار شور و شعور حسینی، در سرزمینی کوچک با دلی بزرگ به بلندای بیرق حسین همنوا با ناله آسمان و زمین، دوشادوش هم، نوای یالثرات الحسین سر می دهند و یا حسین گویان دل در گرو یار دارند .

یوسف زهرا؛ بیا که حسینیان چشم به راه دم مسیحاییت به سوگ حسین نشسته اند. بیا و داغ زینب را در غم از دست دادن برادر التیام بخش . با شمیم روحانی ماه خون و قیام، تکایا و حسینیه ها با حضور عاشقان ابا عبدالله، جلوه ای دیگر از ارادت و اخلاص را به نمایش خواهد گذاشت و چه شیرین است آن زمان که کودک بیمار دیروز با پای برهنه سر بر آستانش می گذارد تا شکر گزار شفای تنش، نذری قربانی کند و چه شیرین تر است آن زمان که مادری به رسم شکر گزاری از معبود و شفای فرزندش، خادم همیشگی اهل بیتش می شود.

عزاداران ابا عبدالله الحسین ظهري دیگر از غم و اندوه را به نظاره خواهند نشست و وا اسفا گویان، واگوپه های خود را با حسین و معبودش نجوا خواهند کرد.

آیا آزاده ای هست تا مرا یاری کند؟
کجاست آزادمرد دشت نینوا که ببیند آوای بلندش در طنین فریاد عزادارانش به گوش میرسد؟
حسینیان ...

محرم با همه شور و نوایش آمد ...

هر که دارد هوس کربُ بلا بسم ...



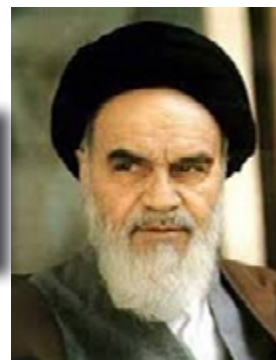
کربلا عصاره بهشت است و عاشورا آبروی عشق. اگر کربلا نبود هیچ گلی از زمین نمی رویید و مشام هیچ انسان آزاده ای حقیقت را استشمام نمی کرد. اگر کربلا نبود عاشورا نبود و اگر عاشورا نبود امروز عشق بر سر هر کوی و برزنی بیگاری نمی کرد. حسین آمد و عشق را آبرو بخشید و عباس با دستان بریده و لبان خشکیده با مشکی زخمی عشق را سیراب کرد تا حرف و حدیثی باقی نماند؛ زینب عشق را تداوم بخشید و آن را در گستره زمین و آسمان منتشر کرد تا از آن پس تمام عاشقان وامدار حماسه عاشورا باشند. کربلا قبله الهام عاشقان شد و عاشورا میعادگاهی برای آنان که می خواهند نماز عشق را در محرابی به بلندای تاریخ بپا دارند. از آن روز زندگی معنا یافت که حسین (ع) بر کتیبه دل ها نقش بست و عاشورا- این راز نهفته- مضمون تمام ناگفته ها شد.



امام حسین علیه السلام فرمودند:

یاک و ما تعتذر منه ، فإن المؤمن لا یسئ و لا یعتذر، و المناق کل یوم یسئ و یعتذر
حذر کن از مواردی که باید عذرخواهی کنی ، زیرا مؤمن نه کار زشتی انجام می دهد و نه به عذرخواهی می پردازد، اما مناق همه روزه بدی می کند، و به عذرخواهی می پردازد.

دانشگاه ها را مرکز تربیت قرار دهید؛ علاوه بر دانش، تربیت لازم است؛ اگر یک دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است.



دانشگاه تربیت معلم
از دیدگاه مقام معظم
رهبری

آموزش و پرورش یک دستگاه بسیار مهم و اساسی و زیر ساخت اصلی برای شکل گیری جامعه ای پیشرفته و برخوردار از خصلت های والای انسانی و سبک زندگی اسلامی است .

معلم در واقع شکل دهنده و پردازنده گوهرهای گرانبهائی است که کودکان و نوجوانان کشور هستند و بر همین اساس، شغل معلمی را نمی توان در ردیف دیگر مشاغل قرار داد.

رسیدن یک جامعه به سرافرازی، رفاه، غنا، پیشرفت علمی، شجاعت، خردمندی، آزادی و عقلانیت، در گرو آموزش و تربیت صحیح کودکان و نوجوانان است و بخش عمده ای از این وظیفه بسیار مهم نیز برعهده معلمان است.

در اجرای سند تحول آموزش و پرورش باید از هرگونه شتابزدگی پرهیز کرد و با در نظر گرفتن همه جوانب و با تدبیر و تأمل پیش رفت.

دانشگاه فرهنگیان با دانشگاههای دیگر متفاوت است زیرا در آن، شخصیت معلمان ساخته می شود ، بنابراین آموزش عالی باید پشتیبانی های لازم را از دانشگاه فرهنگیان انجام دهد.



مهمان این شماره چند دقیقه گفت و گو با ریاست پردیس

۱- نظرتون در مورد مدیریت پردیس شهید باهنر؟ چند ساله مدیریت پردیس به عهده شماست؟

فوق العاده سخت ولی در عین حال خیلی خیلی شیرین - از سال ۸۶ مدیریت رو به عهده دارم

۲- چه سالی کنکور دادین؟

سال ۷۱ برای اولین بار کنکور دادم

۳- در زمان دانشجوییتون درسی بوده که افتاده باشین؟

اصلا !! تمام دروس رو با نمرات بالای ۱۶ پاس کردم

۴- تا حالا دانشجویی برای گرفتن نمره پیشتون اومده؟ باهاش چه رفتاری داشتین؟

خیلی زیاد - بستگی به دانشجو داره، رفتارا با توجه به شخصیت افراد متغیره.

۵- اهل مطالعه هستین؟ چه کتابایی رو بیشتر ترجیح میدین؟

بله میشه گفت خیلی زیاد - با توجه به اینکه فلسفه تدریس میکنم مسلما بیشتر کتب فلسفی.

۶- دوران دانشجویی با توجه به اینکه یه مقطعی هم همدان درس نخوندین منضبط بودین یا شلوغ؟

فوق العاده منضبط بودم

۷- از موفقیت های علمیتون برامون بگین؟

۱۰ مقاله ISI و چندین مقاله تو ژورنال های خارجی - یک کتاب تحت عنوان تکنولوژی صنعتی هایپر - و زمانی که دانشگاه تبریز بودم دبیر همایش زبان فرانسه بودم.

۸- با توجه به اینکه دانشگاه فرهنگیان تازه تأسیس شده رشد کمی و کیفی اونو تو سال های آتی چطور پیش بینی می کنید؟

امیدوارم وضعیت خیلی بهتر از الان بشه - معلمین از ارکان اصلی جامعه به حساب میان و قطعاً باید در بهترین شرایط ممکن تحصیل کنند

۹- جایگاه معلمی رو در بین شغل های دیگه چطور ارزیابی می کنین؟

از نظر من برای یک خانم بهترین شغل به حساب میاد

۱۰- دیدگاه جامعه و عامه مردم در رابطه با معلم؟

به نظر من دید افراد کاملاً مثبتیه و معلم رو شخصی در نظر می گیرن که میتونه تو همه زمینه ها کمک کننده باشه.

۱۱- علم بهتره یا ثروت؟ فقط پاسخ یه کلمه ای

علم اما در کنارش حتماً ثروت لازمه

۱۲- مؤثرترین معلم یا استاد در دوران تحصیلتون؟ چی دوست دارین بهشون بگین؟

استاد ترجمه متون فلسفی - دانشگاه تبریز (آرش کوچولو به جای مادرش گفت استاد دلم واستون خیلی تنگ شده)

۱۳- شما اول رئیس هستین بعد استاد یا برعکس؟

مسلماً اول استاد !

۱۴- خصوصیات دانشجو-معلم محبوب یک استاد فلسفه؟

با انگیزه - حریص علم - اهل مطالعه و یادگیری - خلاق - بانشاط

۱۵- جذاب ترین کلاسی که تدریس داشتین؟

رشته ی کارشناسی دینی - عربی سال ۸۸ در پردیس شهید مقصودی - فوق العاده در یادگیری با اشتیاق بودند.

۱۶- بهترین و بدترین خاطره از زمان تدریس؟

تک تک لحظات تدریس واسم شیرین بودند و به عنوان بهترین خاطره ثبت شدند

۱۷- از نظر شما محوریت دانشگاه بر چه اساسی استواره؟ دانشجو یا استاد؟

خب ببینید همیشه این دو رکن رو تفکیک کرد دانشجو و استاد هر دو باهم دانشگاه را میسازند.

۱۸- چندسال در خوابگاه دانشجویی اسکان داشتین؟

ده سال

۱۹- مشکلات خوابگاه دانشجویی از زبان یک رئیس؟

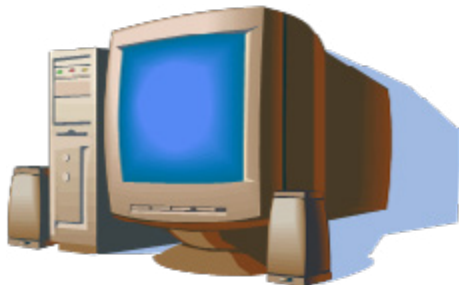
انسان باید با هر محیطی خودشو وفق بده بالاخره هر محیطی که زندگی گروهی توش در جریان باشه مشکلات خاص خودشو داره. خوابگاه این پردیس هم استثنا نیست اما مهم ترین

اصل سازگاری با محیطه

۲۰- به عنوان آخرین سؤال حرف دل سرکار خانم افشار؟

انشاء.. که تمام دانشجویان امروز این پردیس معلمان برتر فردا باشند و حقیقتاً دلم میخواد بهترین امکانات و شرایط برای تمامی دانشجویان فراهم شود و کاستی ها و مشکلات دانشگاه

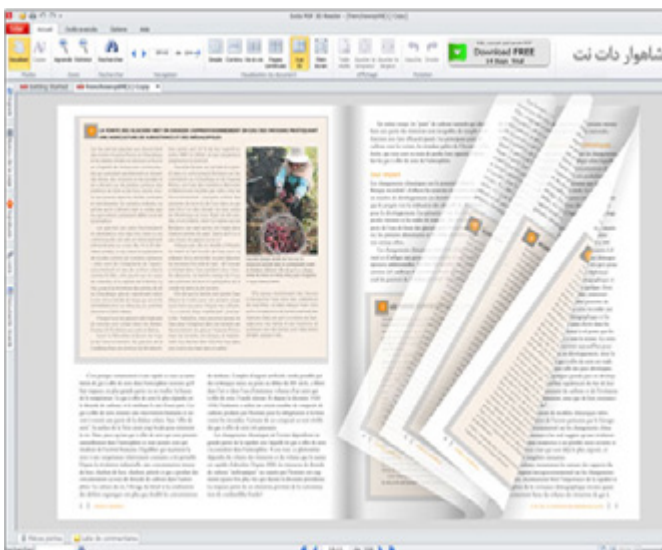
هرچه سریع تر برطرف شود.



معرفی نرم افزار های مفید و کاربردی

بین در دست گرفتن یک کتاب و ورق زدن آن و مطالعه همان کتاب به صورت یک فایل PDF در رایانه ، کدام را انتخاب می کنید ؟ تقریباً همه افراد مطالعه کتاب کاغذی و ورق زدن آن را به مرور نسخه دیجیتالی آن ترجیح می دهند .

به تازگی با نرم افزار رایگان و جالبی با نام PDF Reader Soda آشنا شدم که علاوه بر سبکی و کم حجم بودن نرم افزار که جایگزین بسیار مناسبی برای نرم افزار Adobe Reader به شمار می رود قابلیت نمایش فایل های PDF را به صورت کتاب دارد. در واقع در این نرم افزار به جای اسکرول کردن صفحه برای مشاهده صفحات بعد، می بایست همانند یک کتاب صفحات فایل PDF را ورق بزنید !



برخی از قابلیت های نرم افزار رایگان PDF Reader Soda :

- اجرا و نمایش سریع انواع مختلف فایل های PDF
- نمایش سه بعدی فایل های PDF بدون نیاز به تغییر در فایل
- امکان ساخت فایل PDF از محیط نرم افزارهایی همچون Word و Excel و PowerPoint و ...
- امکان تبدیل فایل های PDF به متن یا عکس یا صفحه وب HTML
- امکان ساخت PDF از طریق مرورگرهای مختلف اینترنتی و ارسال اتوماتیک فایل ایجاد شده به پست الکترونیکی
- ویرایش مستقیم فایل های PDF در محیط اصلی نرم افزار

با کلمات مثبت دری کن!

حضرت محمد(ص) می فرمایند : ”فرزندان خود را به نام های نیک خطاب کنید“

آن چه می گوئیم در حقیقت فکری است که بیان می شود. کلمه ها و اندیشه ها دارای امواجی نیرومند هستند که به زندگی و امورمان شکل می دهند. من و تو، ما و شما به طور حتم می توانیم با استفاده از کلمه ها و اصطلاح های مثبت در سطح وسیع انرژی مثبت را بین همه پخش کنیم.

برای مثال:

به جای خسته نباشید؛ بگوئیم : خدا قوت

به جای دستت درد نکنه ؛ بگوئیم : ممنون از محبتت، سلامت باشی

به جای دروغ نگو؛ بگوئیم : راست می گی؟ راستی؟

به جای خدا بد نده؛ بگوئیم : خدا سلامتی بده

به جای فقیر هستم؛ بگوئیم : ثروت کمی دارم

به جای بد نیستم؛ بگوئیم : خوب هستم

به جای فراموش نکنی؛ بگوئیم : یادت باشه

به جای جانم به لبم رسید؛ بگوئیم : چندان هم راحت نبود

به جای ببخشید مزاحمتون شدم؛ بگوئیم : از این که وقت خود را در اختیار من گذاشتید متشکرم

به جای گرفتارم؛ بگوئیم : در فرصت مناسب با شما خواهم بود

به جای قابل نداره؛ بگوئیم : هدیه برای شما

به جای شکست خورده؛ بگوئیم : با تجربه

به جای بدرد من نمی خورد؛ بگوئیم : مناسب من نیست

شما هم می توانید به این لیست مواردی رو اضافه کرده و برای دیگران بفرستید....

وقتی بعد از مدتی همدیگر را می بینیم، به جای توجه کردن به نقاط ضعف همدیگر و نام بردن از آن ها مثل:

چقدر چاق شدی؟“، ”چقدر لاغر شدی؟“، ”چقدر خسته به نظر می آیی؟“، ”چرا موهات را این قدر کوتاه کردی؟“، ”چرا ریشت را بلند کردی؟“، ”چرا گرفته ای؟“، ”چرا رنگت پریده؟“، ”چرا تلفن نکردی؟“، ”چرا حال مرا نپرسیدی؟“ و ... بهتر است بگوئیم : ”سلام به روی ماهت“، ”چقدر خوشحال شدم تو را دیدم“، و ... عبارات دیگری که نه تنها بیانگر نقاط ضعف طرف مقابل ما نیست بلکه نوعی اعتماد به نفس را به مخاطبمان القاء می کند. البته اگر اصراری نداشته باشیم که حتماً درباره ی همدیگر اظهار نظر کنیم، وگرنه می شود که درباره ی موضوعات مشترک، البته در محوریت مثبت با هم صحبت کنیم

عکایت گروه ۹۹!!!



به زود درخواست دهید فهیید که گروه ۹۹ چیست!!!

پادشاه بر اساس صرف هاسر نفسست وزیر فرماخ داد یک کیسه با ۹۹ سکه طلا را در مقابل در خانه کشیز قرار دهند.. کشیز پس از انجام کارها به خانه بازگشت و در مقابل در کیسه را دید. با تعجب کیسه را به اتفاق برد و باز کرد. با دیدن سکه هاسر طلایسر ابتدا متعجب شد و سپس از شادان کشفته و شوریده گشت.

پادشاه هر که یک کشور بزرگ را حکومت می کرد، باز هم از زندگس خود راضی نبود؛ اما خود نیز علت را نمی دانست.

روز پادشاه در کاخ امیر اتور قدم می زد. هنگامی که از کشیز خانه عبور می کرد، صدای ترانه ای را شنید. به دنبال صدای پادشاه متوجه یک کشیز شد که در صورت شش برق سعادت و شادان دیده می شد. پادشاه بسیار تعجب کرد و از کشیز پرسید: 'چرا اینقدر شاد هستی؟'

کشیز جواب داد: 'قربان، من فقط یک کشیز هستم، اما تلاش می کنم تا همسر و بچه ام را شاد کنم. ما خانه ای رفیع ساخته کرده ایم و به اندازه کافی خوراک و پوشاک داریم. بدین سبب من راضی و خوشحال هستم'

پس از شنیدن سخن کشیز، پادشاه با نفسست وزیر در ایمن مورد صحبت کرد.

نفسست وزیر به پادشاه گفت: 'قربان، ایمن کشیز هنوز عفو گروه ۹۹ نیست!!!'

اگر او به ایمن گروه نییونده، نشانگر آن است که مرد خوشبینی است.

پادشاه با تعجب پرسید: 'گروه ۹۹ چیست؟؟؟' نفسست وزیر جواب داد: 'اگر درخواست دهید بدانید که گروه ۹۹ چیست،'

باید ایمن کار را انجام دهید: یک کیسه با ۹۹ سکه طلا در مقابل در خانه کشیز بگذارید.

کشیز سکه هاسر طلایسر را در میز گذاشت و آنها را شمرد. ۹۹ سکه؟؟؟

کشیز فکر کرد اشتباهی رخ داده است. بارها طلاها را شمرد؛ و سر واقعاً ۹۹ سکه بود!!!

او تعجب کرد که چرا تنها ۹۹ سکه است و ۱۰۰ سکه نیست!!! فکر کرد که یک سکه دیگر کجاست و شروع به جستجو می کرد. اتفاق ها و حقیقت ها را زیر و رو کرد؛ اما خسته و کوفته و ناامید به ایمن کار خاتمه داد!!!

کشیز بسیار دل شکسته شد و تصمیم گرفت از فردا بسیار تلاش کند تا یک سکه طلایسر دیگر بدست آورد و ثروت خود را هر چه زودتر به یکصد سکه طلا برساند.

تا دیروقت کار کرد. به همین دلیل صبح روز بعد دیرتر از خواب بیدار شد و از همسر و فرزندش انتقاد کرد که چرا او را بیدار نگذاشته اند!!! کشیز دیگر مانند گذشته خوشحال نبود و آواز هم نمی خواند؛ او فقط تا حد توان کار می کرد!!!

پادشاه نمی دانست که چرا ایمن کیسه چینی بلایسر بر سر کشیز آورده است و علت را از نفسست وزیر پرسید.

نفسست وزیر جواب داد: 'قربان، حالا ایمن کشیز رسماً به عضویت گروه ۹۹ در آمده!!!'

اعضای گروه ۹۹ چینی افسر در هستند: کتاب زیاد دارند اما... راضی نیستند

خوشبختی ما درسه جمله است : تجربه از دیروز، استفاده از امروز، امید به فردا
ولی ما باسه جمله دیگر زندگی مان را تباه می کنیم : حسرت دیروز، اتلاف امروز، ترس از فردا.



مقاله در لغت به معنای گفتار، مبحث، سخن، قول و فصلی از کتاب یارساله آمده است و در فرهنگ معین یکی از معانی این کلمه رانوشته ای دانسته شده که درباره ی موضوعی نویسد. پیشینه ی مقاله نویسی در زبان فارسی چندان نیست، در کشور ما مقاله نویسی از نیمه ی دوم قرن سیزدهم فراتر نمی رود. در واقع روزنامه و مقاله همزاد هستند، در کشورهای باختری نیز مقاله نویسی نیز به اوایل قرن هفدهم میلادی که نخستین نشریه های دوره ای کشورهای اروپایی انتشار یافت هماهنگ است. ادموند بورک فیلسوف و سیاستمدار انگلستانی روزنامه نگاران را اینگونه مورد خطاب قرار می دهد: آقایان شما رکن چهارم دموکراسی هستید. معمولا مقاله به آنگونه از نوشته ها اطلاق میشود، که هدف نویسنده ی آن بررسی یکی از مسائل علمی، ادبی، اجتماعی، اخلاقی و جز آنها باشد و بخواهد با پژوهش دقیق و دقت از جوانب امر موضوع را به اثبات رساند، یا نفی کند.

انواع مقاله

۱- مقاله ی تحقیقی:

صرفا پس از تحقیق و بررسی همه جانبه به شیوه های علمی " و مبتنی بر: فرضیه آزمون، تحقیق، بررسی و نتیجه گیری " تهیه شود، و در آن آخرین نتایج بدست آمده از یک پژوهش معین، مورد بحث قرار گیرد.

۲- مقاله ی اجتماعی:

مقاله های اجتماعی چنانچه از نامشان پیداست، درباره ی موضوعاتی مانند: امور تربیتی، وضع خانوادگی، مطالب اخلاقی، و بطور کلی مسائلی که به نحوی با جامعه ارتباط دارند. در این گونه از مقالات وضع عمومی مردم، روابط آنان باهمدیگر، مشکلات زندگی، ناهمواری های اجتماعی، تضادهای تبعیض ها، بیدادگریها مورد بحث قرار میگیرد.

۳- مقاله ی انتقادی :

مقاله های اجتماعی اغلب با انتقاد همراه هستند، زیرا وقتی نویسنده ای از فضیلت ها سخن میگوید، مفسد اخلاقی و رذیلت ها را نیز یادآوری می کند. و آنگاه که برای ارشاد جامعه به راه ترقی و پیشرفت از قلم خود یاری میگیرد، دردها و نقاط ضعف رانیز نشان میدهد. و در هر حال چراغی فراراه آنان می گذارد تا درست را از نادرست باز شناسند.

مقاله نویسی

ویژگیهای

مقاله نویسی:

الف) از موضوع مورد

بحث آگاهی کافی داشته

، و با برتری به مسئله بپردازد، لذا بایستی

آگاهانه دست به قلم شوند.

ب) مقاله نویس باید احساس آزادی کند، تا بتواند بدون

تشویش خاطر مسئله رامورد بحث قرار دهد.

پ) نویسنده باید به آنچه می نویسد، اعتقاد کامل داشته باشد، و مطلب

رابا صداقت و صمیمیت مورد بحث قرار دهد،

ت) نویسنده باید در همه حال عفت کلام را نگهدارد، و پیا از دایره ی اصول

و موازین اخلاقی بیرون نهد

عناصر تشکیل دهنده ی مقاله:

۱- موضوع ۲- مقدمه ۳- متن ۴- نتیجه

۱- موضوع :

عنوانهای مقاله ها ممکن است یک کلمه باشند، مانند: صلح .

یا از دو کلمه درست شده باشند، مانند: پول و شیطان

و یا موضوع را ممکن است، چند کلمه تشکیل دهند، مانند: طوفان در سرزمینهای

مغرب

همچنین ممکن موضوع مقاله یک جمله ی خبری پرسشی و یا دستوری

باشد.

۲- مقدمه : همیشه نمیتوان یک نویسنده راملزوم دانست که مقاله ی خود

رابامقدمه آغاز کند، و این بستگی به ذوق و سلیقه ی نویسنده دارد.

۳- متن: متن که پایه ای ترین بخش مقاله است، ویدرستی در بر دارنده ی

پیام نویسنده است، باید به تجزیه و تحلیل و تفسیر مسئله پرداخت، و موضوع

رابابیان دلایل روشن و قابل قبول به اثبات رساند.

۴- نتیجه گیری: در مقاله نتیجه گیری چندان مورد توجه نیست، بیشتر نویسندگان

زبردست پیام خود را در متن به آگاهی خواننده میرسانند، و نتیجه گیری

و داوری رابه دوش خواننده می گذارند.

متخصصین فن مراحل را برای نوشتن مقاله قائل هستند:

الف) دقت نظر در موضوع و اندیشیدن در پیرامون مسئله.

ب) یادداشت رؤوس مطالب

پ) تنظیم یادداشتها

ج) نوشتن بندها

د) اصلاح مقاله

ر) پاکنویس

ز) خواندن پاکنویس

و) یادآوری منابع و مآخذ

دارم میمیرم...یکی کمکم کنه...

دارم میمیرم...یکی کمکم کنه...اومد پیشم حالش خیلی عجیب بود فهمیدم با بقیه فرق میکنه

گفت: حاج آقا یه سوال دارم که خیلی جوابش برام مهمه
گفتم: چشم اگه جوابشو بدونم خوشحال میشم بتونم کمکتون کنم

گفت: من رفتنی ام!

گفتم: یعنی چی؟

گفت: دارم میمیرم

گفتم: دکتر دیگه ای، خارج از کشور؟

گفت: نه همه اتفاق نظر دارن، گفتن خارج هم کاری نمیشه کرد.

گفتم: خدا کریمه، انشالله که بهت سلامتی میده

با تعجب نگاه کرد و گفت: اگه من میمیرم خدا کریم نیست؟

فهمیدم آدم فهمیده ایه و نمیشه رو هوا جوابشو داد

گفتم: راست میگی، حالا سوالت چیه؟

گفت: من از وقتی فهمیدم دارم میمیرم خیلی ناراحت شدم از خونه بیرون نمیومدم
کارم شده بود تو اتاق موندن و غصه خوردن، تا اینکه یه روز به خودم گفتم تا کی منتظر مرگ باشم؟

خلاصه یه روز صبح از خونه زدم بیرون مثل همه شروع به کار کردم اما با مردم فرق داشتم، چون من قرار بود برم و انگار این حال منو کسی نداشت. خیلی مهربون شدم،

دیگه رفتارای غلط مردم خیلی اذیتم نمیکرد

با خودم میگفتم بذار دلشون خوش باشه که سر من کلاه گذاشتن

آخه من رفتنی ام و اونا انگار نه

سرتونو درد نیارم من کار میکردم اما حرص نداشتم

بین مردم بودم اما بهشون ظلم نمیکردم و دوستشون داشتم

ماشین عروس که میدیم از ته دل شاد میشدم و دعا میکردم

گدا که میدیدم از ته دل غصه میخوردم و بدون اینکه حساب کتاب کنم کمک میکردم

مثل پیر مردا برا همه جوونا آرزوی خوشبختی میکردم

الغرض اینکه این ماجرا منو آدم خوبی کرد و ناز و خوردنی شدم

حالا سوالم اینه که من به خاطر مرگ خوب شدم و آیا خدا این خوب شدن و قبول

میکنه؟

گفتم: بله، اونجور که یاد گرفتم و به نظرم میرسه آدمآ تا دم رفتن خوب شدنشون واسه

خدا عزیزه

آرام آرام خدا حافظی کرد و تشکر، داشت میرفت گفتم: راستی نگفتی چقدر وقت

داری؟

گفت: معلوم نیست بین یک روز تا چند هزار روز!!!

یه چرتکه انداختم دیدم منم تقریباً همین قدر وقت دارم. با تعجب گفتم: مگه بیماریت

چیه؟

گفت: بیمار نیستم!!

هم کفرم داشت در میومد و هم از تعجب داشتم شاخ دار میشدم گفتم: پس چی؟

گفت: فهمیدم مردنیم، رفتم دکتر گفتم: میتونید کاری کنید که نمیرم گفتن: نه گفتم:

خارج چی؟ و باز گفتند: نه! خلاصه حاجی ما رفتنی هستیم کی اش فرقی داره مگه؟

باز خندید و رفت و دل منو با خودش برد...



در انتظار ظهور (منبر)

فریب مانفور آقا دروغ سرگویم

به صباغ حضرت زهرا (س) دروغ سرگویم

چه نامه ای؟ چه فراقی؟ چه درد هجرانی؟

نیانیا گل طها دروغ سرگویم

تمام چشم به راهسر و انتظار و فراق

و ندیده هار فرج را دروغ سرگویم

دگر که مانع دنیا است، چهار مولانیست

اسیر شهوت دنیا دروغ سرگویم

زباغ، سفنج ز تو گوید و سر برار مقام

به پیش چشم خدا ما دروغ سرگویم

کدام نامه غربت؟ کدام درد فراق

قسم به ام ابیها (س) دروغ سرگویم

خلاصه لار گل نرگس سر به فقر تو نیست

وما به وسعت دریا دروغ سرگویم

مره ببغیر عزیزم که باز مرگویم

نیانیا گل طها دروغ سرگویم

ولی نه! بیایا بیایا گل طها

دروغ می گویم

دست!!!

در یک روز شکرگزاری، سردبیر روزنامه‌ای در مورد معلم مدرسه‌ای نوشت که از دانش‌آموزان خود در کلاس اول، خواسته بود تا تصویر چیزهایی که آنها را خوشحال و ممنون می‌کند، رسم کنند. خانم معلم خوشحالی و تشکر از نعمت‌های خداوند، خیلی کوچک و فقیر می‌شوند. اما می‌دانست که اغلب آنها، بوقلمون و یا نقاشی "داگلاس" که دستی را به طرز بچه‌گانه‌ای شده و یک‌ه خورد. اما این دست چه کسی نقاشی که بازتابی معنوی داشت، شده من فکر می‌کنم این دست، که برای ما غذا می‌آورد. دست یک مزرعه‌دار بوقلمون پرورش همه تحت تأثیر به آن نظر می‌دادند، شده و پرسید: "داگلاس" این داگلاس "به آرامی و زیر لب گفت: معلم بخاطر آورد که اغلب در زنگ‌های بی‌کس را بغل کرده و با دست نوازش می‌کرد. او برای "داگلاس" ارزش خاصی داشته است. گاهی اوقات، زندگی می‌دهیم، در نزد خداوند، نسبت به بخشش‌های مادی، ارزش و اعتبار بیشتری دارد.

"از کتاب سوپ جوجه برای تقویت روح"

فانتزی



پروانه های

در این مطلب روش بسیار ساده‌ی ساخت این پروانه‌ی زیبای کاغذی را مشاهده کنید و از این پس برای تزیین هدیه‌های کودکان از خودتان یک ابتکار داشته باشید و سلیقه‌تان را در تزیین به نمایش بگذارید

(مواد لازم)

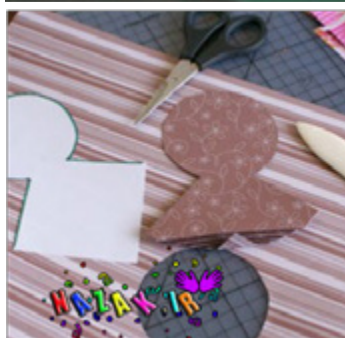
برای ساخت این پروانه فانتزی زیبا به مواد و وسایل زیر نیاز دارید: کاغذ برای کشیدن الگو، کاغذ برای الگوی اصلی پروانه، روبان، قیچی و مداد

روش کار :

ابتدا روی گوشه ی برگه شکلی مثل شکل مقابل را رسم کنید تا الگوی اولیه پروانه را داشته باشید .



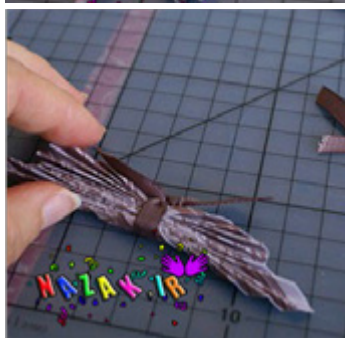
الگو را برش زده و روی کاغذ اصلی آن را پیاده کنید . از قسمت گوشه ی مربع شروع به چین دادن کاغذ کنید



کار چین چین کردن پروانه را تا آخر ادامه دهید . هر چه چین ها ریزتر و در فاصله های نزدیک تری به هم باشد کار شما هم زیباتر خواهد شد .



سپس وسط کار را با یک روبان گره بزنید . دو سر روبان را کمی بلند بگذارید تا شاخک های پروانه را با آن ها بسازید .



حالا با دست بالهای پروانه را حالت دهید
به همین سادگی شما با یک تکه کاغذ و در کوتاه ترین زمان ممکن یک پروانه کاغذی زیبا ساختید که می توانید از آن برای تزیینات مختلف استفاده کنید



آیا شما شخص با اراده ای هستید؟؟؟؟؟؟؟؟



۱۶_ آیا شما ترجیح می دهید بیشتر رهبری کنید تا رهبری شوید؟

خیر
بله

۱۷_ آیا همیشه به قولی که می دهید اعتقاد دارید و ارزش قائلید؟

خیر
بله

۱۸_ آیا شما از اشخاص بی اراده و تنبل بدتان می آید؟

خیر
بله

۱۹_ آیا شما در کارهایتان دقیق هستید و از اینکه کاری را به حال خود رها کنید بدتان می آید؟

خیر
بله

۲۰_ آیا موضوع را قبول دارید که بیشتر افراد کم شهامت هستند؟

خیر
بله

۲۱_ آیا شما فقط با تصمیم خودتان فردا شغلتان را عوض می کنید ؟

خیر
بله

۲۲_ وقتی شما احساس تنهایی میکنید آیا به راحتی فشارهای وارده را می پذیرید؟

خیر
بله

۲۳_ شما این اصل را قبول دارید که سعی و تلاش همیشه مفید است؟

خیر
بله

۲۴_ آیا اهل ریسک کردن هستید؟

خیر
بله

۲۵_ اگر شما ناراحت و غمگین باشید ترجیح میدهید بیشتر بی تفاوت به نظر برسید یا اینکه غمگین؟

خیر
بله

۱۰_ به نظر شما این امکان وجود دارد عشق از دست رفته را دوباره باز گردانیم ؟

خیر
بله

۱۱_ به نظر شما امکان دارد هنگامی که همه چیز از دست رفت پیروزی حاصل شود ؟

خیر
بله

۱۲_ آیا برای شما اتفاق افتاده دارویی مصرف کنید تا پشتکار شما را برای تلاش بالا برد؟

خیر
بله

۱۳_ آیا شما عقاید سیاسی مشخصی دارید؟

خیر
بله

۱۴_ آیا عاجزید از اینکه کار جزئی را که شروع کرده اید نا تمام رها کنید ؟

خیر
بله

۱۵_ اگر شما تصمیم بگیرید که سیگارتان را ترک کنید یا رژیم خاصی را شروع کنید آیا واقعا این کار رامیکنید ؟

خیر
بله

۱_ به نظر شما عاطل و باطل بودن رسوایی اش بیش از شکست است؟

خیر
بله

۲_ اگر شما نامه ای بنویسد پس از اتمام آن متوجه ۱ یا ۲ غلط شوید آیا ترجیح میدهید نامه را دوباره از اول بنویسد یا اینکه فقط غلط ها را تصحیح کنید؟

خیر
بله

۳_ آیا منتظرید از اینکه کاری را که امروز انجام میدهید به فردا بیندازید؟

خیر
بله

۴_ آیا شما حاضرید تمام سعی و تلاشتان را به کار ببندید تا کسی را که مورد توجه شماست به خود جلب کنید؟

خیر
بله

۵_ آیا شما قادر هستید کار اضافه بگیریید یا از هر چیزی که برای شما خوشایند است چشم پوشی کنید تا چیزهایی که واقعا برای شما مورد نیاز است بخرید؟

خیر
بله

۶_ آیا به نظر شما باید برای یک ورزش مرتب تمرین داشت ؟

خیر
بله

۷_ آیا سعی میکنید هر کاری را خودتان انجام دهید؟

خیر
بله

۸_ آیا از اینکه وقتتان بیهوده تلف میشود بیزارید؟

خیر
بله

۹_ آیا شما قادر نیستید بدون نگرانی فردایتان زندگی کنید و احتیاج به برنامه ریزی دارید؟

خیر
بله

نتایج



تعداد بلی را بشمارید؟

از ۲۰ تا ۲۵: شما داری اراده بسیار قوی هستید... وقتی تصمیم می گیرید هیچ مانعی نمی تواند جلوی شما را بگیرد بسیار نادر است شما در کاری موفق نشوید و به هدفتان نرسید. شما موارد غیر ممکن را جست جو نکنید خیلی پیشرفت خواهید کرد.

۱۵ تا ۱۹: شما اراده زیادی دارید و مانعی نمی تواند شما را در تصمیمتان مردد کند. اما این را هم بدانید اگر اقدامی غیر ممکن و غیر عملی باشد شما به موقع تشخیص می دهید و تلاش بیهوده ای را دنبال نمی کنید. ۹ تا ۱۴: وقتی با تمام وجود هدفی را دنبال میکنید اراده ی خوبی دارید و در غیر این صورت شما در مبارزه موفق نمی شوید همه مشکل شما این است که وقتی موفق نمی شوید همه انرژی تان از بین می رود و در آن مبارزه با زنده می شوید.

۴ تا ۸: شما فرد کم اراده ای هستید و بدون آگاهی و تفکر موجب ناراحتی خودتان می شوید. آیا می دانید که اراده ی شما قابل تغییر است. این کار به تدریج اتفاق می افتد و شما می توانید به خوبی به تلاش و کوشش عادت کنید تا اینکه خود را رها کنید به طوری که گرایشتان به سمت تنبلی باشد.

کمتر از ۴: شما واقعا هیچ اراده ای ندارید به این ترتیب به یک فاجعه نزدیک می شوید. شما کاملا وابسته به دیگران هستید. سعی و تلاش کنید که برای شما بسیار واجب است.

واقعیت هایی شگفت انگیز در رابطه با مغز شما

واقعیت اول: بیشتر وزن مغز را آب تشکیل می دهد و بخش

جامد عمدتاً از جنس چربی است

بیشتر مردم تصور می کنند که مغز به طور کامل جامد است، اما این افراد اشتباه می کنند. ۷۵ درصد مغز را آب تشکیل می دهد. بخش جامد مغز نیز از جنس چربی است و تقریباً ۱۰ تا ۱۲ درصد مغز را تشکیل می دهد. بقیه مغز از جنس پروتئین، هیدروکربن و نمک است.

واقعیت دوم: ۱۶۰,۰۰۰ کیلومتر رگ خونی در مغز وجود دارد

این به این معنی است که اگر تمام رگ های خونی مغز را در امتداد یکدیگر قرار دهیم شما می توانید آن را ۴ بار دور کره زمین بپیچانید یا اینکه کره ماه را با رگ های مغز دو نفر به زمین متصل کنید.

واقعیت سوم: مغز شما بین ۱۰ تا ۲۳ وات برق تولید می کند

این قدرت برای روشنایی دو لامپ کم مصرف کافیهست. بخش عمده ای از این قدرت تولید شده به منظور ارتباط عصبی مغز با دیگر اعضا استفاده می شود.

واقعیت چهارم: استفاده از غذای سالم هوش را افزایش می دهد

طبق تحقیقاتی که در یک موسسه در نیویورک انجام شده، اگر شما در وعده ناهار غذایی بخورید که هیچگونه مواد نگهدارنده و یا طعم دهنده مصنوعی نداشته باشد، ۱۴ درصد در تست IQ امتیاز بهتری کسب خواهید کرد.

واقعیت پنجم: هر فکری که می کنید یک اتصال عصبی جدید

در مغزتان ایجاد می کند

مغز از آن چیزی که تصور می کنید انعطاف پذیرتر است و به مرور زمان تغییر می کند. اگر در همین لحظه به موضوع جدیدی فکر کردید، مطمئن باشید در مغز شما به همان میزان اتصال عصبی جدید ایجاد شده است.

واقعیت ششم: یک فرد معمولی روزانه ۷۰ هزار فکر انجام

می دهد

شما همیشه در حال فکر کردن هستید. با تغییر این تفکرات، شما می توانید به طور کل سیم کشی عصبی مغزتان را تغییر دهید.

واقعیت هفتم: خندیدن فرایند پیچیده ای است و از ۵ بخش

مغز استفاده می کند

خندیدن برای فعال سازی مغز بسیار موثر است و مواد شیمیایی تقویت کننده ای در بدن شما در هنگام خندیدن رها می شود. تحقیقات نشان می دهد که خندیدن برای چند دقیقه در هر روز موجب بهبود وضعیت روحی، افزایش احساس خوشبختی و افزایش عملکرد مغز در خلاقیت می شود.

واقعیت هشتم: تردستی موجب تغییرات سریع در مغز می گردد

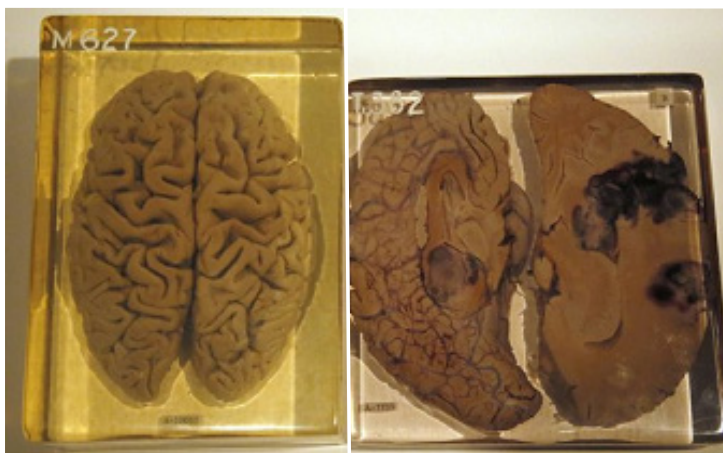
تردستی و یادگیری کارهای پیچیده جدید تأثیر بسیار مثبتی بر روی مغز انسان دارد. تردستی و حرکات پیچیده موجب رشد بخش خاصی از مغز می شود، بنابراین اتصالات عصبی در مغز افزایش چشمگیر می شود

واقعیت نهم: مغز توانایی احساس درد را در هیچ صورتی ندارد

مغز قادر به حس کردن درد در خود نیست و تنها می تواند درد بخش های دیگر بدن را دریافت کند. در واقع هیچ دریافت کننده دردی در مغز وجود ندارد.

واقعیت دهم: ارتفاع مغز انسان ۹,۳ سانتی متر است

مغز از آن چیزی که مردم تصور می کنند کوچکتر است. اندازه مغز ۱۶ در ۱۴ در ۹,۳ سانتی متر و وزن آن ۱,۳ کیلوگرم است. در همین ۱,۳ کیلوگرم ۲۰۰ میلیون سلول عصبی (نرون) وجود دارد.



زندگینامه معلم شهید نسرین افضل

تو التماس نگاه کدام پنجره‌ای / که نقش بسته نگاهم به طرح قالی تو
نسرین افضل در سال ۱۳۳۸ در استان فارس و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. وی در دوران تحصیل به عنوان یکی از دانش‌آموزان پرشعور و باشعور، بر بسیاری از نابسامانی‌ها در رژیم طاغوت، خردمندانه اعتراض کرد، تا جایی که مورد تعقیب نیروهای امنیتی قرار گرفت. این شهیده، پس از پایان تحصیل در دوره دبیرستان با روحی سرشار از پیوستگی به درگاه احدیت با حضور مؤثر در کمیته امداد سپاه و جهاد سازندگی با خدمت به محرومان روستایی، بیشترین قرب به پروردگار را برای خود کسب می‌کرد.

شهیده افضل، در آغاز سال ۱۳۶۰ با مشورت برادر بزرگوارش شهید «احمد افضل» با فراخوان جهادسازندگی شیراز، به همراه جمعی از خواهران متعهد به کردستان رفت و همه وقت خویش در مهاباد به مجاهدت پرداخت.

وی مدتی مسئولیت تبلیغات و انتشارات سپاه مهاباد را بر عهده گرفت و در عین حال، با دیگر ارگان‌ها همکاری داشت. وی به خاطر نیاز شدید آموزش و پرورش به مربی، با عنوان مربی تربیتی در مهاباد مشغول به کار شد و همزمان معلمان نهضت سوادآموزی نیز تحت تعلیم او قرار گرفتند. و در سال ۱۳۶۱ با یکی از پاسداران ازدواج کرد. این شهیده در آخرین شب فروزندگی‌اش، با وجود تب شدید و بیماری از همسرش خواست که او را به مجلس دعای توسل برساند؛ با وجود پافشاری همسرش برای استراحت، در مراسم دعا حضور یافت و به گفته دوستانش آن شب مثل همیشه او به شدت منقلب بود. مراسم دعا و نیایش به پایان رسید و این شهیده، در حالی که برای مراجعت به منزل سوار اتومبیل بود، در مسیر، به کمین عوامل پلیس آمریکا افتاد و در آن جمع تنها، شهیده نسرین مورد اصابت گلوله دشمن قرار گرفت و از آنجاکه همیشه آرزو داشت مانند شهید مطهری به شهادت برسد، پس از یک سال حضور در مهاباد، در شامگاه دهم تیر ۶۱ در اوج خلوص و خدمت به اسلام به آرزوی دیرین خود رسید.

نحوه شهادت شهیده نسرین افضل :

همزمان شهید در خاطره‌ای از آخرین ساعات همراهی‌شان با شهیده افضل چنین می‌گویند: همه دور هم نشسته بودند و از خانواده‌هایشان تعریف می‌کردند و درد دل می‌کردند. نسرین از خانه و از مادر گفت: من همیشه برای مادر گل هدیه می‌دهم، هر شهری هم که برم، حتماً سوغاتی اون شهر را باید برای ایشان تهیه کنم، جان و نفس من مادرمه. فقط خدا شاهده که چه جوری توانستم موقع شهادت داداشم، آرامش کنم. هر داعی بلد بودم، خوندم، دو ماه طول کشید تا قضیه را قبول کرد. آنهایی که رفته بودند دهلاویه و سوسنگرد دنبال جنازه داداش، وقتی برگشتن باورشون نمی‌شد که مامان از هر جهت آماده باشد. خانواده من خیلی دوست داشتنی و خوب هستن. آنها را دوست دارم.

نسرین ساکت شد. همه به او خیره شدند از ابتدای جلسه فقط همین چند کلام را گفت و دوباره در خودش فرو رفت. حالت‌های نسرین خیلی عجیب بود. حتی صبر نکرد نماز را به جماعت بخواند، گفت: شاید شهید شدم. معلوم نیست تا یک ساعت دیگر چه اتفاقی بیفتد. فاطمه که در آن جمع بود از او پرسید: نسرین امشب چه شده؟ نسرین گفت: چیزی نیست تبم قطع شده، فقط شاید بخوام به شما حلوا بدهم!

فاطمه گفت: از اینجا برویم اینجا هوا خیلی سرد است، اگر پمانیم حلوی همه ما رو باید بدهند. یخ زدیم، بلند شوید برویم.

ساعت ده شب بود. مراسم دعای توسل تمام شده بود. موقعی که می‌خواستند سوار ماشین شوند، صدای تک تیرهایی به گوش می‌رسید، نسرین نزدیک ماشین شد و گفت: بچه‌ها شهادتین تان را بگویید. دلم شور می‌زند. فاطمه سوار ماشین شد و گفت: در تب می‌سوزی، انگار در کوره هستی. دلشوره‌ات هم به خاطر همین است. ما که تب نداریم شهادتین را نمی‌گوییم، فقط خودت بگو نسرین جان.

خنده روی لب‌ها یخ زد، همگی سوار ماشین شدند. نسرین کنار در نشسته بود و شهادتین را می‌گفت: که تیری شلیک شد. تیر درست به سرش اصابت کرد. همان جا که آرزو داشت و همان طور که استادش «مطهری» به شهادت رسیده بودند، شهید شد و در همان مسجد ابازر که مجلس ساده عروسی‌اش را برگزار کرده بودند، مجلس ختم برگزار شد. شهادت بالاترین درجه‌ای است که یک انسان می‌تواند به آن برسد و با خوش پیامی می‌دهد به بازماندگان راهش.

وصیتنامه شهیده نسرین افضل:

«ولاحسین الذین قتلوا فی سبیل الله...»

شهادت بالاترین درجه‌ای است که یک انسان می‌تواند به آن برسد و با خوش پیامی می‌دهد به بازماندگان راهش.

«یا ایها الفس مطمئنه» ارجعی الی ربک راضیه المرضیه، فدخلی فی عبادی وادخلی جنتی.

ای نفس قدسی ودل آرام (بیاد خدا). امروز به حضور پروردگارت بازآی که توخشوند (به نعمتهای ابدی او) و او راضی از تو است. باز آی و درصف بندگان خاص من درآی. و دربهشت من داخل شو.

پروردگارا! سپاس که ما را در مبارزه با طاغوت و براندازی رژیم کفر پیشه و وابسته به شیطان بزرگ، آمریکای جهانخوار یاری فرمودی و به ما رهبری آگاه و پرتوان ارمغان نمودی تا ما را از تاریکی‌ها و ظلم رهانید و با ایجاد وحدت درمیان مردم مسلمان و شهید پرور نظام جمهوری اسلامی رادر این سرزمین مقدس بنا نهاد.



با خشونت هرگز...

بچه ی سر به هوا، یا که دعوا کرده قصه ای ساخته است زیر ابرو و کنارچشمش، متورم شده است درد سختی دارد، می بریمش دکتر با اجازه آقا چشم افتاد به چشم کودک ... غرق اندوه و تاثرگشتم من شرمنده معلم بودم لیک آن کودک خرد و کوچک این چنین درس بزرگی می داد بی کتاب و دفتر من چه کوچک بودم او چه اندازه بزرگ به پدر نیز نگفت آنچه من از سرخشم، به سرش آوردم عیب کار از خود من بود و نمیدانستم من از آن روز معلم شده ام او به من یاد بداد درس زیبایی را ... یا چرا اصلا من عصبانی باشم با محبت شاید، گرهی بگشایم با خشونت هرگز ... با خشونت هرگز ... با خشونت هرگز	چون نگاهش کردم ناله سختی کرد ... گوشه ی صورت او قرمز شد حق هقی کردو سپس ساکت شد ... همچنان می گریید ... مثل شخصی آرام، بی خروش و ناله ناگهان حمدالله، درکنارم خم شد زیر یک میز، کنار دیوار، دفتری پیدا کرد گفت : آقا ایناهاش، دفتر مشق حسن چون نگاهش کردم، عالی و خوش خط بود غرق در شرم و خجالت گشتم جای آن چوب ستم، بردم آتش زده بود سرخ گونه او، به کبودی گروید صبح فردا دیدم که حسن با پدرش، و یکی مرد دگر سوی من می آیند ... خجل و دل نگران، منتظر ماندم من تا که حرفی بزنند شکوه ای یا گله ای، یا که دعوا شاید سخت در اندیشه ی آنان بودم پدرش بعد سلام، گفت : لطفی بکنید، و حسن را بسپارید به ما گفتمش، چی شده آقا رحمان؟؟؟ گفت : این خنگ خدا وقتی از مدرسه برمی گشته به زمین افتاده	سخت آشفته و غمگین به خودم می گفتم: بچه ها تنبل و بد اخلاقند دست کم میگیرند درس و مشق خود را ... باید امروز یکی را بزنم، اخم کنم و نخندم اصلا تا بترسند از من و حسابی ببرند ... خط کشی آوردم، درهوا چرخاندم ... چشم ها در پی چوب، هرطرف می غلطید مشق ها را بگذارید جلو، زود، معطل نکنید ! اولی کامل بود، دومی بدخط بود بر سرش داد زدم ... سومی می لرزید ... خوب، گیر آوردم !!! صید در دام افتاد و به چنگ آمد زود ... دفتر مشق حسن کم شده بود این طرف، آنطرف، نیمکتش را می گشت تو کجایی بچه؟؟؟ بله آقا، اینجا همچنان می لرزید ... “ پاک تنبل شده ای بچه بد “ “ به خدا دفتر من کم شده آقا، همه شاهد هستند “ “ ما نوشتیم آقا “ بازکن دستت را ... خط کشم بالا رفت، خواستم برکف دستش بزنم او تقلا می کرد	خداوندا، به ما توفیق عبادت و اطاعت عنایت فرموده و ما را از شر هوای نفس محفوظ بدار. بارخدا، ما را یاری کن تا با اسلام راستین آشنایی پیدا کرده و در عمل به تعالیم آن بکوشیم. ایزدا، ما را در کسب علم و ترویج فرهنگ قرآن و اسلام در مدارسمان یاری و موفق دار. الها! ما قدرتی عنایت کن که پرچم لا اله الا الله را بر سراسر جهان به اهتزاز درآوریم. خداوندا، کشور اسلامی ما را از کشورهای تجاوزگر و سلطه طلب بی نیاز دار. بار الها، اخلاق اسلامی، آداب و عادات قرآنی را بر کشور عزیزمان ایران و مدارسمان حاکم بگردان. بار ایزدا، به رهبر کبیرمان امام خمینی عمر و توفیق بیشتر عنایت دار تا با رهنمودهایش مسلمین و مستضعفین جهان به استقلال و آزادی واقعی دست یابند. خداوندا، ایران و اسلام را از شر کفار و منافقین و حیله های زورمداران شرق و غرب و نوکرانشان به دور داشته، رزمندگانمان را در جبهه های حق علیه باطل پرتوان و پیروز بدار. کریما، ما را در صدور انقلاب خونبارمان به جهان، توان ده و آن را تا انقلاب مهدی (عج) استوار بدار. همسرم بدان که من نسرین کسی که تو را دوست دارد، شهادت را هم بسیار دوست می دارم، چون خدای خود را در آن زمان پیدا می کنم. از تو می خواهم اگر می خواهی فردی خداگونه باشی و درس دهنده، از امروز و از این ساعت سعی کنی تماس خود را با خدای خویش بیشتر کنی و همین طور معلمی باشی جدی.
---	---	---	--



روش های یادگیری زبان انگلیسی



۱- ایجاد انگیزه :

چه چیزی در یادگیری زبان انگلیسی بسیار مهم است؟ شما مجبورید که روش زندگی کردن خود را کمی تغییر دهید. کارهای غیر معمول (یابه اصطلاح دیوانگی) مثل حرف زدن با خودتان، خواندن یک فرهنگ لغت (دیکشنری) در هنگام عصر انجام دهید. برای انجام این کارها و البته به طور منظم، باید از انجام دادن آنها حداکثر لذت را ببرید. و این یعنی داشتن انگیزه در ابتدای کار.

۲- استفاده از یک دیکشنری مناسب:

برای فرایند یادگیری زبان به طور حتم به یک دیکشنری خوب و مناسب نیاز دارید. زبان آموزان موفق همیشه و همه جا از دیکشنری استفاده می کنند و به خاطر همین مسئله است که استفاده از لغات جدید را به راحتی یاد می گیرند.

۳- روش خرید یک دیکشنری خوب:

حتما باید دیکشنری انگلیسی به انگلیسی باشد. برای هر کلمه باید آوانویسی یا نحوه تلفظ آن کلمه را هم داشته باشد. برای هر کلمه باید یک جمله برای مثال داشته باشد.

۴- چطور می توان از بروز اشتباهات انگلیسی جلوگیری کرد؟

یادگیری روش تلفظ : خواندن و یا حفظ کردن زیاد جملات انگلیسی (به وسیله خواندن کتاب و یا گوش دادن). برای جلوگیری از اشتباه باید مثالهای خوب بخوانید و یاد بگیرید

۵- نحوه تلفظ صحیح:

تلفظ اولین و مهم ترین چیزی است که هنگام صحبت با دیگران مورد توجه قرار می گیرد. تلفظ شما معرف شماست.

۶- چه چیزی را مطالعه کنیم و بخوانیم؟

مطالعه زبان انگلیسی یعنی جمله هایی را که می خوانید و یا گوش می دهید. وقتی یک مطلب را می خوانید و یا به چیزی گوش می دهید، آن لغات و جمله ها در ذهن شما می مانند و به شما اجازه می دهند که جمله های مشابهی بسازید. خواندن کتاب و سایت های اینترنتی میزان بسیار زیادی به اطلاعات شما می افزایند و بسیار ساده تر از گوش دادن است.

در حالیکه مطلبی را می خوانید به لغت ها، اصطلاحات و الگوهای گرامری جدید توجه کنید. به موسیقی و کتاب های صوتی گوش دهید. تماشای فیلم به زبان انگلیسی در یادگیری لغت های غیر رسمی و عامیانه به شما کمک می کنند. اغلب ممکن است در فهم بعضی قسمت ها با مشکل روبه رو شوید، اما هرگز ناامید نشوید.

همیشه در فکر بهترین ها
باشید و برای خود و جامعه
خود آنها را بخواهید ولی
ناشکر نباشید.



اگر فکر می‌کنید درس خواندن سخت است، به این بچه
نگاه کنید



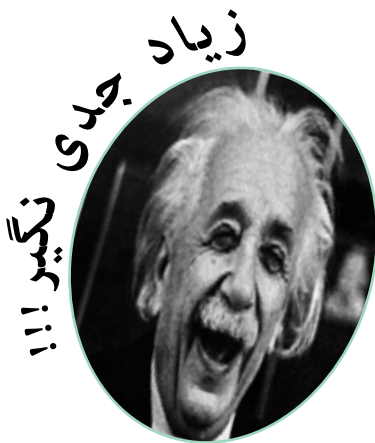
هرگاه احساس کردید که دیگر باید تسلیم شوید، به این
مرد فکر کنید



هرگاه احساس کردید کارتان دشوار است، به این مرد
نگاه کنید



اگر از سیستم حمل و نقل گله دارید، به این‌ها نگاه
کنید



زمانی که انشتین در آمریکا به شهرت رسید اغلب مردم او را در خیابان می شناختند و درباره ی نظریه هایش او را سؤال پیچ می کردند. ولی او با لطافت طبع خاص خودش می خندید و می گفت همه من را با پروفیسور انشتین اشتباه می گیرند. با توجه به نوع کاری که انجام می داد (فعالیت عمیق فکری) هیچ کس انتظار شخصیتی شوخ در کسی که با نظریاتش جهان را به لرزه درآورد ندارد. اما تلاش برای نیل به پیروزی کاری نیست که جدیتی همیشگی بطلبد. اندکی شوخ طبعی و شادی در دراز مدت ضامن سلامتی است. اگر انشتین در تمام مدت کار و فعالیتش جدی و عبوس بود، با کاری که او انجام می داد و مباحث عمیقی که درگیرش شده بود مطمئناً به عرصه جنون می رسید.

گاهی فقط تظاهر کن که مشغول فعالیتی!

مانند بقیه افراد انشتین هم گاهی حس و حوصله کار نداشت او هم به مرخصی می رفت. اما موفقیت و حجم عظیم یافته های او نشان می دهد که علی رغم آن که گاهی از کار دست می کشید اما هیچ گاه مسیرش را گم نکرد و دست از تلاش نکشید. او به خوبی می دانست که احساسات و عواطف تکیه گاهی مطمئن برای اهداف و آرزوهای بزرگ هستند.

انتقاد پذیر باش!

مثل همه ی بزرگان می دانست که ممکن نیست همه با عقاید و نظراتش موافق باشند و البته لزومی بر جلب موافقتشان نمی دید. اما این بازخوردها را چالش هایی در ادامه ی راهش می انگاشت و سعی می کرد سخت تر کار کند تا به آن ها ثابت شود که اشتباه می کنند و او درست می گوید.

شکست را سخت در آغوش بگیر!

انشتین معتقد بود موفقیت یعنی روند یادگیری در گذر زمان! تنها هدف و مأموریت اشتباهات، آموزش نکات کوچک و بزرگ به او بود. اشتباهاتی که با برگشتن و تصحیح آن ها روی تخته سیاه کارگاهش، راهش را در حرکت دوباره در آن مسیر هموارتر می ساخت. یکی از معطلاتی که همواره ما را عقب نگه می دارد ترس از ارتکاب اشتباه است. در دراز مدت در می یابی که سکوت و سکون به مراتب بدتر و مضرتر از رفتن و اشتباه کردن است. اشتباه در واقع یعنی به پیش رفتن و یادگرفتن آن چه نباید انجام داد.

قدم های کوچک بسوی هدف

اکثر ما موفقیت را قله ای دور از دسترس می بینیم و این گاهی باعث می شود هیچ تمایلی به سعی و تلاش از خود نشان ندهیم. چرا سختی بکشیم وقتی به هر حال این راه طی می شود و به پایان می رسد؟ این تصور از پیروزی اشتباه و مهلک است. انشتین روز و شب تلاش کرد و بر کاستی ها و مسائل علم فیزیک غلبه کرد اما نه یک شبه! هدفی غایی در ذهن داشت و می دانست با هر گامی که به جلو بر می دارد یک قدم به آن چه در ذهنش دارد نزدیکتر می شود. کار کوچکی که در یک زمان محدود انجام می دهی شاید به نظر بزرگ و مهم نرسد اما بدان که در مقیاس بزرگتر حرکتی است کوچک در مسیری طولانی به سوی هدفی بزرگ!

خودخواه نباش!

موفقیت های انشتین موجب حسن شهرت و محبوبیتش در جهان شد. وی بدون هیچ گونه چشمداشت و تمایلی به کسب قدرت یا ثروت موجب پیشرفت و تعالی نوع بشر شد! او خیر و صلاح انسان ها را سرلوحه ی راهش قرار داد و تا رسیدن به آن از پا ننشست.

تنها به ساز خودت برقص!

انشتین از دنباله روی های کوکوران و بی فکر مردم متنفر بود. اگر به دیگران اجازه بدهی در مورد توانایی هایت اظهار نظر کنند باید تنها به رؤیای پیروزی و کامیابی بسنده کنی. آنچه اطرافیان در مورد ما می گویند نظراتی است که البته وحی منزل نیستند و در بیشتر موارد باید به آرامی از کنار آن ها گذشت.

همیشه برای یادگیری و پیشرفت حرص و ولع داشته باش!

او خودش را صاحب استعداد خاصی نمی دید تنها تفاوتش این بود که بسیار کنجکاو بود. او سیری ناپذیر بود. هر مقاله و نظریه ای گامی بود به سوی پرسش و پاسخ بعدی! بعدی! بعدی!

ادامه بده! از پا ننشین!

در مسیر پیش روی به سوی آمال و آرزوهایت ممکن است با موانع زیادی روبرو شوی. اما این دلیل نمی شود که عقب نشینی کنی و بازی را واگذار کنی! این فقط نشان می دهد که چقدر اراده ات سست و بی جان است! انشتین کسی بود که سعی کرد در زندگی با مسائل و مشکلات کنار بیاید و آن ها را قدم به قدم حل کند.





معرفی سایت های مفید و جالب

و در پایان ۱۰ درس مهم زندگی از انشتین

۱- تخیل مهم تر از دانش است چراکه دانش محدود است اما تخیل همه ی هستی را در آغوش دارد، پیشرفت را مشابه سازی می کند و در مقابل چشمانت قرار می دهد و قادر است انقلابی سهمگین به پا کند.

۲- تفاوت بین نبوغ و حماقت در آن است که نبوغ محدودیت هایی دارد.

۳- هرگز پرسشگری را کنار نگذار، کنجکاوی بشر حتماً علتی دارد.

۴- علم بدون دین سست است و دین بدون علم کور.

۵- دو چیز نامحدود است، جهان و حماقت بشر! البته درباره ی جهان مطمئن نیستم!

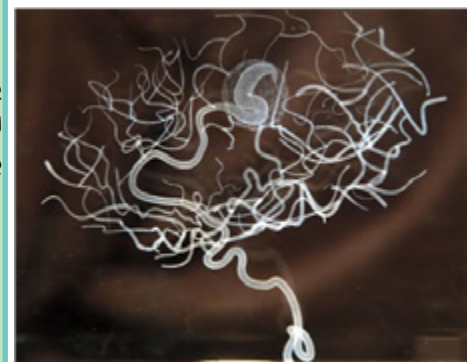
۶- افتادن در دام عاشقی احمقانه ترین کاری نیست که بشر انجام می دهد ولی مطمئناً علت این افتادن جاذبه ی زمین نیست.

۷- زیباترین تجربه ها ناشناخته ترین آن هاست و این اساسی ترین احساسی است که خاستگاه علم و هنر ناب محسوب می شود.

۸- کسی که هرگز اشتباه نکرده کسی است که هرگز تلاش نکرده است.

۹- بیشتر از آن چه برای موفق بودن تلاش می کنی برای با ارزش بودن تلاش کن.

۱۰- چشمگیرترین اثرات کاربردی علم آن است که به ابداع چیزهایی میدان می دهد که بر غنای زندگی می افزایند، هرچند آن را پیچیده تر هم می کنند.



۱) میخوام سایتی رو بهتون معرفی کنم که اطلاعات مفیدی درباره همه دانشگاههای دنیا میده و همینطور رتبه بندیشونو هم نشون میده.سایت جالب و کارآمديه مخصوصا برای کسانی که میخوان برای ادامه تحصیل به دانشگاههای خارج از کشور برن.

http://www.iciu.org

۲) این سایت اطلاعات جالبی را از جهان مثل جمعیت کنونی جهان را نمایش میده. توصیه میکنم حتما به این سایت سر بزنید.مطمئنم خوشتون میاد.

worldometers

WWW.WORLDOMETERS.INFO

۳) بااستفاده از این سایت میتونید بفهمید که تا الان چند درصد زبان انگلیسی بلد هستید. ابتدا به این سایت رفته و در هر مرحله کلماتی را که معنی آن ها را میدونید تیک بزنید و کلید ادامه را بزنید تا به مرحله بعد برید.

HTTP://TESTYOURVOCAB.COM

۴) شاید شما دوست داشته باشید بدونید اسمتون چندمین اسم پرتعداد توی جهان هست. این سایت این امکان را به شما میده.

WWW.POKEMYNAME.COM

یک سایت فوق العاده که سبکی جدید داره و من مشابهش رو جایی ندیدم! طراح اون برنده ی مدال المپیاد کامپیوتر بوده و معماهای واقعاً جالبی رو با سبکی جالب و بومی طراحی کرده ، افرادی که به معما علاقه دارن مطمئناً یکی از دغدغه هاشون از این به بعد ، اومدن سری جدید معماها روی سایت خواهد بود !!

WWW.PERSJANPUZZLES.COM

تو را خوابگاه و لمر مرگزده



خدایا هیچ وقت این لحظه واسه بنده هات اتفاق نیفته... خیال هر کسی وقتی راحت میشه که غذاشو بگیره و راهی نشیمن گاهش بشه.

تا اینجا گذری زدیم به نصف روز از خوابگاه. بعد از ظهر که میشه بعضیا میخوابن بعضیا درس میخوانن و بعضیا هم کارای عقب افتادشونو انجام میدن. بعضیا هم توفکر و نقشه ی رفتن به حمام هستن! آخه بعضی از خوابگاه ها حمام هاشون اختصاصی نیست ۱۰-۱۲ حمام دارن برا کل بچه های خوابگاه! به همین دلیل توی این مورد هم رعایت حق تقدم داریم اینجا هم باید سر صف بونیم. بچه های زنگ قبل از اینکه قفل در حمام ها باز بشه پشت در منتظرن. خدا به داد اون کسانی برسه که چند دقیقه

دیرتر می آن. باید یک ساعت منتظر بونن یا این ور اون ور پرسه بزنن. شبای خوابگاه هم یا خیلی بیهوده میگذره یا با درس خوندن سپری میشه.

به عنوان مبحث آخر از اتفاقات شیرین خوابگاه بحث شیرین و یا شاید تفرقه انگیز ساعت خاموشی باشه. یه عده زود میخوابن یه عده دیرتر. همیشه بین این دو عده اختلاف مشاهده میشه. بالاخره بچه ها بعد از حداقل یک

ساعت بحث وجدل با همدیگه خود به خود خوابشون میبره. تو خواباشون یا ادامه بحث هارو دنبال میکنن یا اتفاقات یک روز سپری شده رومرو میکنن...

این بود قصه پرماجرایی گذراندن یک روز از عمر در خوابگاه! و در آخر میگیم ما ارادتمند هر چی خوابگاهی و غیر خوابگاهی هستیم. تا یه طنز دیگه خدانگهدار

خوابگاه دانشجویی ممکنه تلفیقی از خاطرات تلخ و شیرین باشه اما وقتی اسمش تو ذهن هرکسی که تجربش کرده بیاد ناخودآگاه یه خنده رولباش می افته. خدا نکنه یه خوابگاه با امکاناتش کم باشه یا با مشکلاتی روبه روباشه ازیه طرف غرزدن بچه هارو داریم ازیه طرف دیگه حمایت مسؤلین خوابگاه از خوابگاه! خلاصه اینکه آخر هیچ طرفی به نتیجه مطلوب نمیرسه! دوست دارم اتفاقات خوابگاه روزهامون اول صبح براتون بگم: مهم ترین اتفاق که اول صبح یعنی حول وحوش ساعت ۶-۷ صبح کاملاً حس میشه صدای جیرجیر تخت هاست!!

معمولاً تو خوابگاه ها تعداد افرادی که تویه اتاق هستن ۳-۴ نفره. اما این

مورد وقتی زیبا و جذاب میشه که تویه اتاق ۳۰ نفر باهم زندگی کنن که در این جور مواقع این دیگه اتفاق نیست برا خودش یه پا سالن کنفرانسه!!!

بریم سر اصل مطلب: به هر نحوی بچه ها از خواب بیدار میشن بعد هر کسی میره سراغ کلاس و دغدغه ی ذهنی خودش. بعد از گذشت یه نصفه روز تو کلاسی مختلف و این ور و اون ور تنها امید بچه ها یه ناهار دلچسبه! یه

ناهار که به آدم قوت بده!

تازه داستان از اینجا شروع میشه: بچه ها به چنان شوق و ذوقی وصف ناشدنی به سمت سالن غذاخوری روانه میشن که دل هر آدم سیری رو سیرتر میکنه! اینجا ست که برا گرفتن یه بشقاب غذا باید از ۶-۷ خان گذشت! اولین چیز ایستادن سر صف. گاهی اوقات صف غذا اونقدر طولانی هست که نقطه ابتدا و انتهای صف در یک مکان از مختصات واقع میشن! اما بچه ها ناامید نمیشن هرطور شده نقطه های مشترک رو به هم میزنن و خودشونو وارد صف میکنن. هر کسی باید کارتشو برا اینکه ژتون غذا داره یا نه از دستگاه مخصوص بکشه. وقتی کسی بفهمه ژتون نداره اونجاست که انگاری سالن با همه افرادش رو سر این شخص خراب میشه

به قلم رضوان گنجی

معرفی یک دانشمند

زکریای رازی



نام وی محمد و نام پدرش زکریا و کنیه اش ابوبکر است. مورخان شرقی در کتاب‌هایشان او را محمد بن زکریای رازی خوانده‌اند، اما اروپائیان و مورخان غربی از او به نام‌های رازس RHAZES و رازی AL-RAZI در کتاب‌های خود یاد کرده‌اند. به گفته ابوریحان بیرونی وی در شعبان سال ۲۵۱ هجری (۸۶۵ میلادی) در ری متولد شده و دوران کودکی و نوجوانی و جوانی‌اش در این شهر گذشت.



رازی از تفکرات فلسفی رایج عصر خود که فلسفه ارسطویی- افلاطونی بود، پیروی نمی‌کرد. مورخان طب و فلسفه در قدیم به تفاریق استادان رازی را سه تن یاد کرده‌اند: ابن ربن طبری: زکریا در طب شاگرد وی بوده است. ابوزید بلخی: حکیم زکریای رازی در فلسفه شاگرد وی بوده است. ابوالعباس محمد بن نیشابوری: استاد محمد بن زکریا رازی در حکمت مادی (ماتریسیسم) یا گیتی‌شناسی بوده است. رازی، پزشک و طبیعت‌شناس بزرگ ایرانی را پدر شیمی یاد کرده‌اند، رازی مکتب جدیدی در علم کیمیا تأسیس کرده که آن را می‌توان مکتب کیمیای تجربی و علمی نامید. در فرآیند دانش کیمیا به علم شیمی توسط رازی، نکته‌ای که از نظر محققان و مورخان علم، ثابت گشته، نگرش «ذره یابی» یا اتمسیتی رازی است. در شیمی رازی توانست مواد شیمیایی چندی از جمله الکل و اسید سولفوریک (زیت الزاج) و جز این‌ها را کشف کند. رازی در علوم طبیعی و از جمله فیزیک تبحر داشته است.

«اگر همه می‌توانستند از استعدادهای خود درست بهره بگیرند، دنیا همان بهشت موعود می‌شد که همه می‌خواهند» (رازی)

حق این دانش آموز صفر است یا بیست؟



👉 - در کدام جنگ ناپلئون مرد؟

در آفریقا: جنگتر

👉 - اعلامیه استقلال آمریکا در کجا امضا شد؟

در پایتخت: پنفسه

👉 - عدت اهلر طلاق چیست؟

لزدواج

👉 - عدت اهلر عدم موفقیت ها چیست؟

امتحانات

👉 - چه چیزهای را هرگز نمر توان در صحنه خورده؟

نهار و شام

👉 - چه چیز رقیبه به نیمه از یک سیب است؟

نیمه دیگر از سیب

👉 - اگر یک سنگ قرمز را در دریا بیندازید چه خواهد شد؟

شده

خیس خواهد شد

👉 - یک آدم چگونه ممکن است هشت روز نخوابد؟

مشکل نیست شبها می خوابد

👉 - چگونه می توانید فیل را با یک دست بلند کنید؟

شما امکان ندارد فیل را پیدا کنید که یک دست داشته

باشد

👉 - اگر در یک دست خود سه سیب و چهار پرتقال و در

دست دیگر سه پرتقال و چهار سیب داشته باشید کلا

چه خواهید داشت؟

دستهای خیل بزرگ

👉 - اگر هشت نفر در ده ساعت یک دیوار را بسازند

چهار نفر آن را در چند ساعت خواهند ساخت؟

هیچ چیز چون دیوار قبلا ساخته شده
 چگونه می توانید یک تفع مرغ خام را به زمین
 بتونس بزنید بدون آنکه ترک بردارد؟
 زمین بتونس خیل صفت است و ترک بر نمر
 دارد



شما چه می کنید؟؟؟

عکس هایی که حالتان را عوض می کند !



وقتی آشپزها دست به
کار می شدند تا یک
گروهان یا یک گردان را
سیر کنند

فقط یک توپ کافی بود تا
بهانه ورزش هم جور شود.
حتی با سیم هایی که حکم
تور والیبال پیدا می کردند



این هم قدرت نمایی پهلوان
های ایرانی



نامه نوشتن از جبهه برای مخاطبان
خاص. خدا می داند همین صندوق
کوچک زردرنگ، چه خاطره هایی در
دلش جا داده





پیش‌غذای بانظیر قارچ و زیتون

طرز تهیه:

مواد لازم:

- کره: ۴ قاشق غذاخوری
- پیاز سفید خرد شده: ۲ عدد
- ساقه کرفس خرد شده: ۲ عدد
- قارچ حلقه شده: ۷۵۰ گرم
- پودر آویشن: یک قاشق چای‌خوری
- نمک و فلفل: به میزان لازم
- زیتون سیاه هسته گرفته: یک فنجان
- آب مرغ: یک فنجان
- تخم‌مرغ زده شده: ۳ عدد
- روغن زیتون: ۲ قاشق غذاخوری
- نان تست: ۵ عدد
- ۱. روغن زیتون را در تابه بریزید. نان‌های تست را مکعبی خرد کنید و در تابه تفت دهید.
- ۲. فر را روی ۴۰۰ درجه فارنهایت یا ۲۰۰ درجه سانتی‌گراد تنظیم روشن کنید.
- ۳. ته ظرف فر را با کمی کره چرب کنید.
- ۴. کره را در یک تابه بزرگ آب کنید و کرفس و پیاز را آنقدر تفت دهید تا پیاز نرم شود. ۵.
- ۵. قارچ، آویشن، زیتون و نمک و فلفل را اضافه کنید و آنقدر تفت دهید تا قارچ‌ها طلایی شوند.
- ۶. مواد را در یک کاسه بزرگ بریزید و نان‌های تست، آب مرغ و تخم‌مرغ را اضافه کنید.
- ۷. مایه را در ظرف فر بریزید و روی آن را با یک ورقه فویل آلومینیوم بپوشانید.
- ۸. ظرف را در فر بگذارید. بعد از ۲۰ دقیقه فویل را بردارید و ۲۰ دقیقه دیگر ظرف را در فر بگذارید تا روی آن طلایی شود.



نکته سلامت:

بسیاری از متخصصان مصرف زیتون را به بیماران دیابتی توصیه می‌کنند. تحقیقات نشان داده زیتون عملکرد انسولین را بهبود می‌بخشد و قند خون را کنترل می‌کند. پزشکان معتقدند بیماران دیابتی باید هر روز به‌طور متوسط ۸ عدد زیتون را در برنامه غذایی خود بگنجانند و روغن مصرفی روزانه را با روغن زیتون جایگزین کنند.



نقش حجاب و عفاف در عظمت زن

حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هرگونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است؛ به تعبیری لطیف‌تر حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب.

حجاب و عفاف به عنوان دو ارزش در جامعه بشری و بویژه جوامع اسلامی مطرح است. همواره این دو واژه در کنار هم به کار برده می‌شوند و در نگاه اول به نظر می‌آید هر دو به یک معنا باشند اما با جستجو در متون دینی و فرهنگنامه‌ها به نکته قابل توجهی می‌رسیم و آن تفاوت این دو واژه است. در برخی کتب لغت حجاب را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «الحجاب، المنع من الوصول» حجاب یعنی آنچه مانع رسیدن می‌شود. (۱) برخی گفته‌اند حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنای پنهان کردن و منع از دخول است و به عنوان شاهد آیه شریفه «و من بیننا و بینک حجاب» (فصلت، آیه ۵) را ذکر کرده‌اند. در دیگر کتاب‌های لغت حجاب را به معنای پرده آورده و نوشته‌اند: امراه محجوبه؛ زنی که پوشانیده است خود را به پوشاندنی. (۲)

با توجه به معانی ذکر شده در می‌یابیم حجاب امری ظاهری و در ارتباط با جسم است، اگرچه این پوشش برخاسته از اعتقادات و باورهای درونی افراد است ولی ظهور در نشئه مادی و طبیعی دارد یعنی پوشش ظاهری افراد و بویژه زنان را حجاب می‌گویند که مانع از نگاه نامحرم به آنان می‌شود. عفاف نیز دارای معانی گوناگونی است که در مجموع تعریف کاملی را به ما خواهد داد. راغب اصفهانی در مفردات القرآن می‌نویسد: العفه حصول حاله للنفس تمتنع بها غلبه الشهوة؛ عفت حالتی درونی و نفسانی است که توسط آن از غلبه شهوت جلوگیری می‌شود. (۳)

البته قابل ذکر است که در قرآن کریم از واژه عفت در دو معنا استفاده شده است، گاه به معنای خود نگهداری و پاکدامنی است و گاه «عفت» به معنای قناعت آمده و مسائل مالی مورد نظر است. (۴) آنچه در این مقاله مورد نظر ماست مفهوم اولی است یعنی خود نگهداری از شهوت و مسائل جنسی؛ اگرچه می‌توان برای هر دو معنا واژه عفت را آورد و ضرری به مفهوم آن نمی‌خورد. از مجموع معانی ذکر شده برای حجاب و عفاف می‌توان نتیجه گرفت که عفاف نوعی حجاب درونی است که انسان را از گناه باز می‌دارد.

حفظ چشم، گوش، قلب و تمامی اعضا و جوارح از هرگونه خطا و گناه عفاف است که حاصل این عفت و حجاب درونی، پوشش ظاهری است؛ به تعبیری لطیف‌تر حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این گروه از حجاب، تنها پوسته‌ای و ظاهری بی‌معنا دارند و از سوی دیگر کسانی هستند که ادعای عفاف کرده و با تعبیری همچون؛ من قلب پاک دارم، خدا با قلبها کار دارد، آدم باید چشمش پاک باشد و... خود را سرگرم کرده و مصداق «لیفجر امامه» (بلکه انسان می‌خواهد آزاد باشد و گناه کند- قیامت آیه ۵) می‌شوند.

انسان‌هایی چنین باید در قاموس اندیشه خود نکته‌ای اساسی را بنگارند و آن این است که درون پاک، بیرونی پاک می‌پروrand و هرگز قلب پاک موجب بارور شدن میوه ناپاکی به نام بی‌حجابی و بدحجابی نخواهد شد. امام خمینی (ره) پیام‌آور ارزشهای الهی درباره حجاب و عفاف می‌فرماید: «توجه داشته باشید حجابی که اسلام قرار داده است برای حفظ ارزشهای شماست. هرچه را که خدا دستور فرموده است- چه برای مرد و چه برای زن- برای این است که آن ارزشهای واقعی که اینها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه‌های شیطانی یا دست‌های فاسد استعمار پایمال شوند این ارزشها زنده بشوند.» (۵)

فلسفه حجاب

یکی از نکات اساسی که زمینه‌ای برای عمل به احکام است شناخت جایگاه هرچیز در نظام هستی است. البته در نظامی که خداوند متعال در جای جای آن دیده می‌شود و ارتباط اشیا و اعمال با خداوند بسیار مشهود است و با درک این ارتباط و حضور، بسیاری از مشکلات زندگی بشر حل می‌شود. «حق» به عنوان زیباترین و پسندیده‌ترین واژه آفرینش در تمامی ادیان و جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است و حقوق و ادای آنها فراتر از زمانها و مکانها و اشخاص و ادیان است.

در واقع هر فردی از هر طبقه اجتماعی و از هر دین و ملیت، نسبت به ادای حقوق دیگران حساسیت نشان می‌دهد و این مطلب، حق و حقوق را فرازمانی و فرامکانی می‌کند. برخی از اندیشه‌گران و حکیمان بر این باورند که حجاب، حق‌الله است و در این باره می‌گویند: «حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد و نه مال شوهر و نه ویژه برادر و فرزندان می‌باشد. همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد شد، چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق‌الله مطرح است. لذا کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم.

از اینکه قرآن می‌گوید: هر گروهی، اگر راضی هم باشند، شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می‌شود عصمت زن حق‌الله است.» (۶) پر واضح است که آدمی نمی‌تواند حقوق الهی را کاملاً ادا کند ولی با انجام برخی کارها می‌تواند رضایت الهی را به دست آورد. حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «حقوق خداوند متعال بزرگتر از آن است که توسط بندگان ادا شود و نعمت‌های خداوند بیشتر از آن است که به شمارش آید» (۷) و حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خداوند بر بندگان حقی قرار داده و آن این است که او را اطاعت کنند.» (۸) اگرچه حق خدا بزرگ است و قابل ادا نیست ولی ادای وظایف و اطاعت از خداوند متعال به نوعی ادای حق محسوب می‌شود. حجاب که امر خداست و شارع مقدس به عنوان یکی از احکام ضروری دین آن را واجب کرده است باید حفظ شود.

حفظ این واجب الهی اطاعت از اوست و اطاعت از او حقی است که بر بندگان نهاده است و هر انسان باورمندی باید تعبداً و نه فقط به خاطر مصالح عمومی و... این حق و حد الهی را ادا کند. پس حکمت حجاب، سنجش میزان عبودیت و اطاعت بندگان است. بانوان با حفظ حجاب می‌توانند اطاعت را که روح و پیام اصلی عبادات بشر است اثبات کنند و در زمره اطاعت‌کنندگان الهی قرار گیرند.

بانوان به عنوان نیمی از جامعه اسلامی که در دامن خود انسان‌های پاک و برجسته می‌پروراند، دارای حرمت و احترام ویژه‌ای می‌باشند. آنان معلمان عاطفه هستند و پیکره اجتماع، با محبت و تربیت آنها استوار خواهد ماند.

مفسران و اندیشه‌گران بر این باور هستند که «قرآن کریم وقتی درباره حجاب سخن می‌گوید، می‌فرماید: حجاب عبارت است از یک نحوه احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند. در قرآن علت و فلسفه حجاب را چنین ذکر می‌کند که: ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین، یعنی برای اینکه شناخته نشوند و مورد اذیت واقع نگردند، چرا که آنان تجسم حرمت و عفاف جامعه هستند و حرمت دارند.» (۹) با اندکی تدبیر در آیات قرآن فلسفه حجاب را به گونه‌ای صریح می‌بینیم و می‌یابیم که احترام و حرمت زن، فلسفه حقیقی و یا یکی از فلسفه‌های حجاب است برآستی اگر معرفت انسان به شریعت و تعالیم دینی بالا رفته و قرآن را که آئین‌نامه سعادت و کمال بشر است درک کند، به عظمت حجاب پی برده و می‌فهمد بدحجابی و بی‌حجابی ثمره عدم معرفت و شناخت حقیقی جایگاه زن در هستی است.

خداوند در آیه ۳۱ سوره نور حکم حجاب را به گونه‌ای صریح و آشکارا مطرح نموده و علاوه بر ظرافت‌های خاصی که در نوع پوشش زنان وجود دارد، اشخاص محرم را نیز ذکر می‌کند تا نامحرمان بازشناسانده شوند و در پایان فلسفه پوشش بیان شده است که زینتها و زیبایی‌های زنان در مقابل نامحرم آشکار نشود، تا آنها مورد توجه نگاه‌های ناپاک قرار نگیرند و احترام آنان حفظ گردد. در آیه دیگر حرمت و شخصیت زن به عنوان فلسفه حجاب مطرح می‌شود: «ای پیامبر به زنان و دخترانت و زنان مومن بگو، پوشش خود را بر خود فرو پوشند.

این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند.» (احزاب، آیه ۵۹) در این آیه زنان و دختران پیامبر و زنانی که همسر مردان مومن هستند از دیگر زنان جامعه آن روز جدا می‌شوند و حکم حجاب برای این زنان محترم آورده می‌شود. از ظاهر آیه می‌توان دریافت که حجاب به خاطر احترام و حرمت زنان بوده و مقام آنان به قدری والا است که باید از طریق حجاب شناخته شوند؛ مبدا مانند زنان کفار مورد اذیت و آزار قرار گیرند. این دسته از زنان به خاطر اعتقادات و باورهای دینی، دارای ارزش و مقامی افزون از دیگران هستند و حرمت آنها باید مورد شناسایی قرار گیرد.

هر عملی که افراد جامعه انجام می‌دهند، در نگاه کلان اثر مستقیم در اجتماع دارد زیرا از خانواده که واحد کوچک اجتماعی است جامعه تشکیل می‌شود و همان‌گونه که رفتار فرد در جامعه موثر است، اشخاص نیز از اجتماع و قوانین آن تأثیر می‌پذیرند. حجاب علاوه بر آثار شخصی و شخصیتی، دارای آثار اجتماعی است.

با حفظ حدود و حقوق و موجب تخریب روح و محیط آرام و امنی را برای سوی سعادت و سلامت اگر زنان جامعه باحجاب طهارت روح و جسم جامعه، سلامت خانوادگی خانواده تحت تأثیر زنان بدحجاب و بی‌حجاب اجتماعی مثل اداره‌ها و سلامت رفتاری خواهند بود حداقل خواهد رسید.



حضرت امام خمینی (ره) در مورد فعالیت اجتماعی و اشتغال زنان همیشه این نکته را بیان می‌کردند که: «فعالیت اجتماعی، سیاسی کنید ولی حدود شرعی از جمله رضایت همسر را رعایت کنید.» (۱۰) بسیاری از پرونده‌های ضد اخلاقی از عدم رعایت حدود شرعی نشأت گرفته است و آمار جنایی ذکر شده همواره زنگ خطری بوده که اندیشه گران تربیتی را نگران می‌ساخته است. یکی از آثار اجتماعی حجاب، حفظ اجتماع و سلامت اجتماعی خانواده است، بالا رفتن درصد طلاق در کشور ما زنده‌ترین شاهد این مطلب است.

از روزی که حجاب دچار تغییر و تحول شد و آزادی‌های تعریف نشده در جامعه ما پا گرفت، سطح طلاق به مقدار نگران‌کننده‌ای بالا رفته و میزان ازدواج رو به کاهش نهاده است و این جزء آثار اجتماعی بی‌حجابی است که جامعه را در درازمدت به ورطه هلاکت می‌رساند. البته آثار مثبت حجاب و پیامدهای منفی بی‌حجابی به اینجا ختم نمی‌شود.

وقتی که به صحنه تفکرات عالم نگاه می‌کنیم و بینش اسلام را مشاهده می‌نماییم، به روشنی در می‌یابیم که جامعه بشری هنگامی خواهد توانست نسبت به مسئله زن و رابطه زن و مرد، سلامت و کمال مطلوب خود را پیدا کند که دیدگاه‌های اسلام را بدون کم و زیاد و بدون افراط و تفریط درک کند و کوشش نماید آن را ارائه کند. اسلام می‌خواهد که رشد فکری، اجتماعی، سیاسی، علمی و بالاتر از همه فضیلتی و معنوی زنان به حد اعلای برسد و وجودشان برای جامعه و خانواده بشری حاداعلای فایده و ثمره را داشته باشد. همه تعالیم اسلام از جمله مسئله حجاب، بر این اساس است. مسئله حجاب به معنی منزوی کردن زن نیست. مسئله حجاب به معنی جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است. این اختلاط به ضرر جامعه و به ضرر زن و مرد و بخصوص به ضرر زن است. حجاب به هیچ‌وجه مزاحم و مانع فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و علمی نیست

دار در دیس با هزار

هی گ ذ ر د

NO COMMENT

بدون شرح





با سلام خدمت هم دانشگاهی های عزیز:

دفتر نشریه تصمیم دارد برای استفاده از مطالب شما بخشی را در نشریه به مطالبتان اختصاص دهد . می توانید آثارتان را به نشانی FARHIKHTEH.SHBH@GMAIL.COM ارسال کنید . مطالب رسیده بررسی خواهند شد و موارد برگزیده با نام خود شما چاپ می شوند.

دانشگاه آزاد اسلامی

